



زبان شناسی متن و گفتمان

نقد و بررسی کتاب «مبانی زبان شناسی متن»
نوشته دکتر پرویز البرزی

اشاره

نشست نقد و بررسی کتاب مبانی زبان شناسی متن، تألیف جناب آقای دکتر پرویز البرزی، در سرای اهل قلم برگزار شد. این نشست با حضور آقای دکتر پرویز البرزی، مؤلف کتاب، خانم دکتر نگار داوری اردکانی، خانم فاطمه باقری، کارشناس ارشد زبان-شناسی و خانم سارا شریف پور، دانشجوی دوره دکتری زبان شناسی، و آقای صهبا سلیمی، کارشناس ارشد زبان شناسی، به همت کتاب ماه ادبیات برگزار شد. آنچه می خوانید، متن ویراسته مباحث مطرح در نشست مذکور است.



* مبانی زبان شناسی متن
* دکتر پرویز البرزی
* چاپ اول، تهران: امیرکبیر
۱۳۸۷

سلیمی: در خدمت جناب آقای دکتر البرزی و سرکار خانم دکتر نگار داوری اردکانی هستیم برای نقد و بررسی کتاب مبانی زبان‌شناسی متن، تألیف جناب آقای دکتر البرزی. همان‌طور که دوستان مستحضر هستند، کتاب ماه ادبیات جلساتی را به منظور نقد و بررسی کتاب برگزار می‌کند، که این جلسات، بهانه و فرصتی برای تعامل استادان و دانشجویان خارج از دانشگاه است. پیش از اینکه آقای دکتر البرزی هدف و انگیزه خود را از تألیف کتاب و انتخاب موضوع بیان نمایند، از خانم باقری تقاضا می‌کنم درباره کتاب و سرفصل‌های آن برای دوستان حاضر در جلسه توضیحاتی بیان نمایند و به اختصار کتاب را معرفی کنند.

باقری: کتاب مبانی زبان‌شناسی متن شامل ۸ فصل است؛ فصل اول کتاب مربوط به متن و متن‌شناسی، تقابل زبان‌شناسی متن و زبان‌شناسی جمله است؛ فصل دوم مربوط به کاربردشناسی است. به بیان دقیق کتاب، کاربردشناسی به جنبه‌های کنشی و موقعیتی پاره‌گفتارهای زبانی و نیز به جنبه‌های کاربرد پاره‌گفتارها در بافت زبانی می‌پردازد. مفاهیم مختلف کاربردشناسی در این کتاب ذکر شده است؛ بخش بعدی فصل دوم مربوط به پیش‌انگاری هاست، منظور از پیش‌انگاری، دست یازیدن به درک و توضیح نقش دانش خارج از بافت در ترکیب انسجام متون است. نظریه‌های مختلف پیش‌انگاری با توجه به دیدگاه

فرگه، راسل و استراوسن و در نهایت پیش‌انگاری در زبان‌شناسی در این فصل بررسی شده است؛ فصل سوم کتاب مربوط به تعامل و ارتباط با توجه به ماهیت اجتماعی و ارتباطی بشر است. در این فصل زبان از منظر اجتماع بررسی شده و عوامل اجتماعی در مطالعات زبان مورد توجه واقع شده است. در این فصل نویسنده به انواع کنش‌ها، نظیر کنش‌های تعاملی، اجتماعی و تقسیم‌بندی دقیق آن پرداخته است. آرای ویتگنشتاین، نظریه کنش‌گفتاری آستین و اصول چهارگانه گرایس در این فصل مطرح شده است. فصل چهارم مربوط به متن‌بودگی است. منظور از متن‌بودگی، کلیه ویژگی‌هایی است که متن را به یک متن تبدیل می‌کند. متن به عنوان یک رویداد ارتباطی، با هفت معیار متن‌بودگی تحقق پیدا می‌کند. این هفت معیار، شامل پیوستگی، انسجام، نیت که مربوط به پدیدآورنده متن است، قبولی، پیام‌رسانی، موقعیت و متن‌بودگی درونی است. متن‌بودگی درونی به این معناست که هیچ متنی به تنهایی بروز پیدا نمی‌کند؛ بلکه در بافت سایر متون قرار دارد و به‌طور کلی، متن‌بودگی عبارت است از روابط بین متون. فصل پنجم کتاب مربوط به موضوع و ساختار متن است. در فصل ششم دلالت در متون و نیز انواع دلالت، مانند دلالت، رویدادی، مکانی، زمانی و شیئی مورد بررسی قرار گرفته است و روابط دلالتی درون‌متنی به‌طور کامل تشریح شده است. فصل هفتم مربوط به الگوها، انواع و اقسام متون است. در این فصل نویسنده به تقسیم‌بندی انواع متون پرداخته و معیارهایی را که برای تقسیم‌بندی

انواع متون مورد نیاز است، ذکر کرده است. منظور از مفهوم الگوهای متون نیز آگاهی درباره الگوهای کاربرد زبانی است که توافقی، قابل بازشناسی و قابل پیش‌بینی هستند. فصل هشتم که فصل آخر کتاب است، مربوط به تحلیل گفتمان است. مطابق بیان دقیق کتاب، موضوع تحلیل گفتمان، که زبان‌شناسان آن را تحلیل مکالمه یا تحلیل ارتباط کلامی نیز می‌نامند، ساختار و نقش واحدهای زبانی در گفتار است. تحلیل گفتمان، به عکس نظریه کنش‌گفتاری، بیشتر به پاره‌گفتارها در ارتباط با پاره‌گفتارهای پیرامونی، و ارتباط تعاملی، یعنی روابط متقابل پاره‌گفتارهای گویندگان مختلف نیز می‌پردازد.

سلیمی: با تشکر از خانم باقری. در ادامه از آقای دکتر البرزی خواهش می‌کنم هدف خودشان را از تألیف کتاب مبانی زبان‌شناسی متن بیان نمایند. دوستان مستحضر هستند که درباره گفتمان و نیز بحث و گفت‌وگو، البته از نوع انتقادی آن، فراوان بحث شده است. متأسفانه هرگاه سخن از گفتمان به میان می‌آید، بسیاری‌ها گمان می‌کنند که حتماً باید این گفتمان، گفتمان انتقادی باشد و وقتی به تحلیل گفتمان می‌پردازند، این تحلیل از نوع تحلیل انتقادی است و اصل این مقوله که خود گفتمان است، از نظرها دور می‌ماند. واقعیت این است که برای ما جای بسی خوشحالی بود وقتی دیدیم کسی آمده و به واحدی در گفتمان که نمودی از گفتمان است، توجه نموده است؛ لذا از دکتر البرزی تقاضا می‌کنم به دلیل توجه خود به این حوزه و نیز نیازمندی‌هایی که در این حوزه مشاهده کرده‌اند، اشاره نمایند.

دکتر البرزی: با عرض سلام خدمت دوستان عزیز و درود بر تمامی کسانی که این جلسه را ترتیب داده‌اند، درباره هدف و انگیزه تألیف کتاب باید بگویم ایده تألیف این کتاب از سال‌ها پیش در ذهن من وجود داشت. بنده بیست ماه به صورت شبانه‌روزی بر روی این کتاب کار کردم.

واقعیت این است که در آن دوره چیزی به نام متن‌شناسی در ایران وجود نداشت و هنوز هم به معنای واقعی وجود ندارد. همان‌گونه که در کتاب نیز ذکر شده است، متن چیزی است که تعریف مشخصی از آن وجود ندارد. حدود چهل سال است که متن به عنوان واحدی ارتباطی مطرح شده است. بهترین تعریفی که در این مورد می‌توان بیان کرد، این است که متن، واحدی ارتباطی است و این واحد می‌تواند یک عبارت زبانی، یک جمله، چند جمله، یک پاراگراف و یا یک فصل باشد؛ اما تأکید کتاب بر این است که متن، نوشتاری است و آن چیزی است که فراتر از جمله است؛ بنابراین زبان‌شناسی متن به واحدهای فراتر از جمله می‌پردازد و چیزی فراتر از جمله را بررسی می‌کند و با عناصر داخل جمله کاری ندارد. بنده فصل آخر کتاب را نیز به موضوع گفتمان اختصاص دادم؛ اما به دلیل محدودیت وقت، به مفهوم دقیق این موضوع نپرداختم. گفتمان چیزی است که در برابر متن قرار می‌گیرد. متن، یکسویه، اما گفتمان دوسویه است؛



لذا گفتمان نمی‌تواند نوشتاری باشد. دوباره هدف تألیف کتاب نیز باید بگویم، مهم‌ترین انگیزه من خالی بودن این عرصه از تألیفات در این حوزه بود و علت این مسئله نیز گرایش به جانب ترجمه است؛ یعنی دقیقاً همان چیزی را که غربی‌ها می‌نویسند، ترجمه می‌کنیم و می‌نویسیم و درست در همین نقطه است که از پیشرفت بازمانده‌ایم. عمده تکیه ما در این حوزه به آثار ترجمه‌شده است که خود این آثار نیز از لحاظ ترجمه، در بسیاری موارد دارای ضعف است. بنابراین بنده سعی کردم با تألیف این کتاب گامی در راستای گسترش تألیفات موجود در این حوزه بردارم.

سلیمی: اگر ممکن است، درباره منابع داخلی و خارجی‌ای که در این کار استفاده کردید و مشکلاتی که در این زمینه با آن مواجه بودید، توضیحات لازم را بیان نمایید.

دکتر البرزی: متأسفانه کتابخانه‌های ما در این حوزه دارای مشکل هستند و حتی کتابخانه دانشگاه تهران نیز به کتاب‌های جدید موجود در این حوزه مجهز نیست. بنابراین بنده برای دسترسی به منابع دست اول و تکمیل منابع مورد نیاز به آلمان رفتم و بسیاری از منابع و مآخذ مورد نیاز را از آنجا تهیه کردم. متأسفانه این مشکل فقط مربوط به حوزه زبان‌شناسی نیست و در سایر حوزه‌ها نیز مشکل دسترسی به منابع وجود دارد.

سلیمی: در ادامه از خانم دکتر داوری تقاضا می‌کنم درباره متن و گفتمان و تفاوت‌هایی که بین این دو مقوله وجود دارد، توضیحاتی بیان نمایند.

دکتر داوری: خدمت همکاران عزیزم و نیز دانشجویانی که در این جلسه حضور یافته‌اند، سلام عرض می‌کنم. درباره موضوعی که آقای سلیمی مطرح کردند، توضیح مختصری خدمت دوستان عرض می‌نمایم؛ البته آنچه می‌گویم، برداشت شخصی من است؛ زیرا همان‌گونه که مستحضر هستید و با خواندن کتاب نیز متوجه شده‌اید، هنوز توافق نظر دقیقی درباره تعاریف این اصطلاحات وجود ندارد؛ اما معتقدم که با خواندن چند متن به طور دقیق، می‌توان به نتیجه‌ای کلی درباره تعریف این اصطلاحات دست یافت و شاید اختلاف نظری هم که بین من و جناب آقای دکتر البرزی وجود دارد، به همین موضوع بازگردد. به عقیده من، تحلیل گفتمان نسبت به زبان‌شناسی متن اصطلاح شامل‌تری است و در واقع تحلیل گفتمان، اصطلاح کلی‌تری است که زبان‌شناسی متن را نیز در بر می‌گیرد. اگر بخواهیم تحلیل گفتمان را تعریف کنیم، باید بگوییم تحلیل گفتمان، بررسی واحدها و عناصر زبانی بزرگ‌تر از جمله است که این عناصر زبانی بزرگ‌تر از جمله می‌تواند پاراگراف، فصلی از کتاب و یا حتی

یک کتاب کامل باشد. مشخصه تحلیل گفتمان هم این است که دارای دو بُعد زبان‌شناسی و غیر زبان‌شناختی است؛ به این معنی که جزئی از تحلیل گفتمان، تحلیل زبان‌شناختی متن و جزء دیگر، تحلیل غیرزبان‌شناختی متن است؛ زیرا مسئله مهمی که در تحلیل گفتمان وجود دارد، تأثیر عناصر بافتی بر روی واحد زبانی بزرگ‌تر از جمله است؛ اما اینکه در برخی متون آمده است گفتمان فقط معنای مکالمه‌ای دارد، به عقیده من صحیح نیست. اگر گفتمان همان مکالمه باشد، اصلاً ضرورتی برای وجود اصطلاح گفتمان وجود نخواهد داشت. گفتمان فقط مکالمه نیست و برای همین است که می‌گوییم تحلیل متن یا زبان‌شناسی متن، زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است. با توجه به مقیاس لانگ و پرول و این که لانگ، واحدی انتزاعی و پرول، واحدی تجلی‌یافته و عینی است، می‌توانیم نسبت گفتمان به متن را نیز بهتر درک کنیم؛ گفتمان اعم از همه متون، چه متون شفاهی و چه متون نوشتاری است. گفتمان در حقیقت اصطلاحی کلی است که متن را درون خود جای می‌دهد و اگر بخواهیم از تعریف آقای دکتر البرزی در این کتاب استفاده کنیم، باید بگوییم متن یک رویداد ارتباطی ثبت‌شده است و این رویداد ارتباطی می‌تواند نوشتاری یا شفاهی می‌باشد؛ هر گفتمان، چه شفاهی، چه کتبی، چه مکالمه‌ای و چه غیرمکالمه‌ای، وقتی روی کاغذ آمد، یا به هر نحوی ضبط و ثبت شد، متن است؛ بنابراین به عقیده من تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متن گاهی با هم مساوی می‌شوند؛ با این حال، می‌توانیم بگوییم زبان‌شناسی متن بیشتر به ابعاد زبانی متن توجه می‌کند که قاعدتاً هم باید این‌گونه باشد و تحلیل گفتمان در کنار ابعاد زبانی، به ابعاد بافتی هم توجه دارد. وقتی ما نام زبان‌شناسی متن را به جزئی از تحلیل گفتمان می‌دهیم، باید بار زبان‌شناسی آن بیشتر از بار تحلیل‌های بافتی و غیرزبانی باشد؛ حال آنکه در تحلیل گفتمان به همان اندازه که ما مشخصه‌های زبانی متن را بررسی می‌کنیم، مشخصه‌های بافتی و موقعیتی را هم که غیرزبانی هستند، بررسی می‌نماییم.

بنابراین به این عبارت ختم می‌کنم که متن، تجلی ثبت‌شده گفتمان است و ابزاری برای تحلیل گفتمان؛ زیرا اگر ما متن نداشته باشیم، نه می‌توانیم عناصر زبانی آن را بررسی کنیم و نه چیزی وجود دارد که تأثیر عوامل بافتی را در آن بررسی نماییم.

دکتر البرزی: درباره توضیحاتی که خانم دکتر داوری بیان فرمودند، باید بگویم زبان‌شناسی متن یکسویه است و این همان چیزی است که پرول را نشانه گرفته است و با لانگ سوسور کاری ندارد؛ یعنی گفتار را نشانه گرفته است که می‌تواند نوشتاری یا گفتاری



باشد اما یک‌سویه است.

درباره تمایزی هم که خانم داوری درباره گفتمان و متن تأمل شدند، باید بگویم به عقیده من گفتمان همان متن است؛ اما متن دوسویه؛ یعنی اگر ما بیابیم گفتار را پرول‌جانبه کنیم، می‌شود گفتمان.

دکتر داوری: به عقیده من ماهیت متن به‌گونه‌ای است که نمی‌توانیم چنین تمایزی قائل شویم؛ البته اگر متن را از یک جنبه محدود کنیم، شاید حرف شما صحیح باشد؛ اما با توجه به مسائل بافتی و تأثیر آن بر متن، نمی‌توان چنین چیزی را پذیرفت. به نظر من، هر متنی مخاطبی دارد و از این است که ما باید متن را زیرشاخه گفتمان در نظر بگیریم؛ زیرا حتی وقتی کتابی نوشته می‌شود، با در نظر گرفتن مخاطبانی این کتاب نوشته می‌شود؛ بنابراین متن نمی‌تواند یک‌سویه باشد و همچون گفتمان دوسویه است و اساساً یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر گفتمان و صورت ثبت‌شده آن متن، مخاطب آن است.

دکتر البرزی: البته نظر بنده از دوسویه و یک‌سویه چیز دیگری است؛ منظور از یک‌سویه این نیست که متن مخاطب نداشته باشد؛ بلکه مقصود فی‌البداهه پاسخ دادن است؛ مثلاً اگر ما یکی از مفاهیم کاربردشناسی را متن بگیریم، در این صورت متن فقط زبانی نیست و مسائل بیرونی و کاربردشناسی و پیش‌انگاری را نیز در بر می‌گیرد.

در فصل آخر کتاب، در قسمتی که مفاهیم گفتمان مطرح شده است، بنده به موضوع فی‌البداهه بودن گفتمان اشاره کرده‌ام. بنابراین به عقیده بنده، گفتمان فی‌البداهه و شفاهی است و نوشتاری نیست.

دکتر داوری: مسئله فی‌البداهه بودن و یا به تعبیر دیگر، مخاطب هم‌زمان داشتن، که در فصل آخر کتاب نیز یکی از ملاک‌های تقسیم‌بندی گفتمان در نظر گرفته شده، قابل توجه و تأمل است. تولید متن گفتاری مکالمه‌ای و دریافت آن توسط مخاطب، به‌صورت هم‌زمان اتفاق می‌افتد؛ درحالی که متنی که نویسنده یک کتاب می‌نویسد، مخاطب هم‌زمان ندارد و این بین متون مختلف تمایز ایجاد می‌کند، و از این دریچه به متن نگریستن، می‌تواند یکی از ملاک‌های طبقه‌بندی انواع متن باشد.

در اینجا لازم می‌دانم به برخی از نکات ثبت کتاب اشاره نمایم. واقعیت این است که کتاب مذکور اولین اثری است که در حوزه مبانی زبان‌شناسی متن به فارسی نوشته شده و از این جهت از اهمیت زیادی برخوردار است. در حوزه تحلیل گفتمان کتاب‌های زیادی به زبان انگلیسی وجود دارد که به موضوع زبان‌شناسی متن هم

می‌پردازند؛ یعنی عمده مباحث یک کتاب تحلیل گفتمان هم می‌تواند کتابی با نام «زبان‌شناسی متن» هم‌پوشانی داشته باشد، چون متن ابزار زبانی تحلیل گفتمان است که در تحلیل آن، مؤلفه‌های غیرزبانی و موقعیتی هم به مدد گرفته می‌شوند.

در حوزه تحلیل گفتمان، در زبان فارسی کتاب مستقلی تألیف نشده؛ اما مقالاتی در مجلات مختلف و از جمله مجله زبان‌شناسی در معرفی این حوزه چاپ شده و کتاب‌هایی که در این حوزه نوشته شده است، بیشتر مربوط به تحلیل گفتمان انتقادی است. درباره کاربردشناسی که حوزه‌ای مرتبط با تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متن است، در ایران فقط یک کتاب ترجمه‌شده وجود دارد که انتشارات سمت چاپ کرده است؛ عنوان کتاب، کاربردشناسی زبان است که جرج یول تألیف کرده است و جز این کتاب، کتاب دیگری به زبان فارسی در این حوزه وجود ندارد. درباره تحلیل گفتمان انتقادی نیز چند اثر تألیفی وجود دارد که یکی کتاب آقای دکتر یارمحمدی است که اخیراً برنده جایزه کتاب سال شد؛ کتاب دیگری نیز توسط استادان دانشگاه شهید چمران اهواز به زبان انگلیسی تألیف شده است که فقط به جنبه مکالمه‌ای گفتمان پرداخته و تصویر کاملی از این مقوله، یعنی تحلیل گفتمان، ارائه نداده است. بنابراین در حوزه زبان‌شناسی متن تا پیش از کتاب آقای دکتر البرزی، کتابی وجود نداشته و این کتاب اولین اثر تألیفی در این حوزه است. به فهرست کتاب که نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم به عمده مسائل مطرح در این حوزه پرداخته شده است؛ متن و متن‌شناسی، کاربردشناسی، تعامل و ارتباط، متن‌بودگی، موضوع و ساختار متن، دلالت در متون، الگو، اقسام و انواع متن و تحلیل گفتمان از موضوعاتی هستند که در کتاب راجع به آنها بحث شده است. در جای‌جای کتاب نیز به آرای محققان مختلف اشاره شده و راجع به آنها بحث شده است؛ لذا پیشنهاد می‌کنم موضوع به درستی مورد مطالعه قرار گرفته است.

برخی از مباحث کتاب نیز که بنده مطالعه کردم بسیار قابل توجه است؛ از جمله این مباحث، یکی مبحث حروف تعریف است که آقای دکتر بسیار دقیق وارد این حوزه شده و بدان پرداخته‌اند و کاملاً فارسی‌شده این موضوع را تعریف کرده و توضیح داده‌اند. ایشان اشاره نوآورانه‌ای به پیوستگی آواشناختی و پیوستگی ساخت واژه‌ای، که در متون دیگر کمتر بدان توجه شده است، دارند. ملاک‌های طبقه‌بندی متون نیز از مباحث قابل توجه کتاب است که در صفحه ۲۶۱ مطرح شده است. مسائلی نظیر هم‌زمانی وقوع رخداد ارتباطی و غیرهم‌زمان بودن آن از جمله این مباحث است که به عقیده من اگر در این



قسمت جمع‌بندی‌ای صورت گیرد، نمودار کاملی از انواع متون به دست خواهد آمد.

در ادامه، نکاتی را که به گمانم نیازمند بازنگری است، خدمت استاد بزرگوار عرض می‌نمایم. بنده انتظار داشتم کتاب مذکور رابطهٔ متن و گفتمان و نیز زبان‌شناسی متن و تحلیل گفتمان را به درستی بررسی و تشریح نماید و این مشکل را که همواره برای استادان و دانشجویان مطرح است، برطرف نماید. به نظر من اگر تعاریف مختلفی که در کتاب آمده و همه در جای خود قابل تأمل است، در بخش نتیجه‌گیری بازبینی می‌شد و دست آخر تعریف واحدی داده می‌شد، از سردرگمی‌های استادان و دانشجویان کاسته می‌گردید. بنابراین یکی از پیشنهادات من این است که به بخش نتیجه‌گیری کتاب بندهایی اضافه شود و تصویر روشنی از رابطهٔ زبان‌شناسی متن، تحلیل کلام و کاربردشناسی ترسیم گردد. موضوع دیگر نیز باز مربوط به نقیصی است که در کلاس درس و در برخورد با دانشجویان بدان پی برده‌ام. وقتی در کلاس درس از دانشجویان می‌خواستیم تحقیقی در

حوزهٔ تحلیل گفتمان انجام دهند، دانشجویان انتظار داشتند الگویی تنظیم‌شده در اختیار آنان قرار گیرد تا بدانند برای تحلیل گفتمان یا تحلیل یک متن، به صورت سلسله‌مراتبی باید چه عناوین و مراحل را دنبال نمایند، و همان‌طور که خانم باربارا جان استون در کتاب تحلیل گفتمان خود اشاره کرده، در حوزهٔ تحلیل گفتمان به ابعاد زبان‌شناختی مسئله کمتر توجه شده است. بنده بر این گمان بودم که چون این کتاب به‌طور خاص به زبان‌شناسی متن می‌پردازد، حتماً چنین توقعی را برآورده می‌کند؛ البته اطلاعات خوبی در کتاب جمع‌آوری شده است که متأسفانه از انسجام کافی برخوردار نیست. بر این گمانم که لازم بود مطالب روشن‌تر، سازمان‌یافته‌تر و کاربردی‌تر از این بیان می‌شد. زبان کتاب، نارسا و مبهم است. در زمینهٔ تغییر ساختار کتاب نیز پیشنهاداتی دارم که خدمت آقای دکتر عرض می‌نمایم؛ برای نمونه، اگر در تقدم و تأخر فصل‌ها تغییراتی صورت گیرد و برخی از فصول بر برخی دیگر مقدم شود، ساختار کتاب بهتر می‌شود؛ مثلاً اگر فصل متن‌بودگی بر سایر فصول مقدم شود، این مسئله بر روانی کتاب می‌افزاید؛ چون خواننده پیش از آنکه بخواهد بداند عوامل مؤثر بر متن کدامند، می‌خواهد بداند که متن چیست.

سلیمی: در ادامه از خانم شریف‌پور تقاضا می‌کنم نظر خود را دربارهٔ کتاب بیان کنند و نکاتی را که به هنگام مطالعهٔ کتاب بدان برخورده‌اند، برای ما بیان نمایند.

شریف‌پور: همان‌طور که خانم دکتر داوری نیز اشاره نمودند، این کتاب نخستین کتابی است که در این حوزه به زبان فارسی تألیف

شده است. بومی کردن مثال‌ها در بسیاری از قسمت‌های کتاب کاملاً مشهود است و تألیف کتاب، اقدام بسیار درخور توجهی در حوزهٔ زبان‌شناسی است. من با نظرات خانم دکتر موافق هستم و بر این گمانم که تغییر ترتیب فصول در روشن‌تر شدن مطالب می‌تواند بسیار مؤثر باشد. نکتهٔ دیگری که در زمینهٔ ساختار کتاب لازم می‌دانم بیان نمایم، دشواری زبان کتاب است و من هنگامی که کتاب را مطالعه می‌کردم، به اشکالاتی برمی‌خوردم و به گمانم با ویرایش کتاب بسیاری از این اشکالات برطرف می‌شود. همچنین انسجام کتاب در برخی از موارد مختل شده است و اگر جابه‌جایی‌هایی کوچک و ویرایشی مجدد در آن صورت گیرد، این انسجام به‌طور کامل حاصل می‌شود. بنده از مثال‌های فارسی که در کتاب ذکر شده بود، بسیار لذت بردم؛ اما برخی از مثال‌ها به گمانم در سال‌های آتی دیگر کاربردی نخواهد داشت و اگر شخصی پنج سال بعد این مثال‌ها را بخواند، ممکن است دیگر آن را درک نکند. چون مثال در صدد است که به روشن‌تر کردن مفهوم کمک کند، بهتر است بدون زمان و مکان باشد و به موردی خاص محدود نشود.



دکتر البرزی: دربارهٔ مثال‌ها، فکر می‌کنم مقصود شما مثالی است که در زمینهٔ ارتباط و نزدیک‌ترین روابط طرح کرده‌ام و در این مورد از سریال بره مثال آورده‌ام. من ناچار بودم پدیده‌ای خارجی پیدا کنم و حالت چسباندن صورت به گوش مخاطب به هنگام صحبت کردن را نشان دهم، که این فقط در این سریال مشهود بود.

دربارهٔ ترتیب فصول نیز باید بگویم آنچه بنده در ذهن داشتم، متفاوت با آن چیزی است که شما در کتاب می‌بینید. من ابتدا متن‌بودگی را پیش از فصل چهار و پنج آورده بودم؛ ولی بعد بنا به دلایلی آن را به فصول چهار و پنج منتقل کردم. من فکر کردم فردی که کتاب را می‌خواند، نخست باید با پیش‌انگارهای آشنا شود تا بعد که به متن می‌رسد، انسجامی را درک نماید. دربارهٔ نتیجه‌گیری نیز باید بگویم نظر خانم دکتر داوری را می‌پذیرم و فکر می‌کنم باید صفحاتی بدان اضافه می‌شد و جمع‌بندی‌ای در این نتیجه‌گیری صورت می‌گرفت؛ ولی با این نظر که مثلاً کاربردشناسی یا گفتمان را از متن جدا کنیم و در نتیجه‌گیری مطرح نماییم، موافق نیستیم؛ زیرا وقتی از متن بحث می‌کنیم، نه فقط جنبهٔ معناشناسی، بلکه همه چیز را در بر می‌گیرد؛ بنابراین گفتمان هم داخل آن است و بنده با این نظر خانم دکتر داوری که گفتمان فراتر از متن است، موافق نیستم. من معتقدم گفتمان زیرمجموعهٔ متن و متن فراتر از گفتمان است؛ زیرا کاربرد متن بیشتر از گفتمان است.

باقری: در زمینهٔ ساختار کتاب لازم می‌دانم نکاتی را به

گفته‌های خانم دکتر داوری و خانم شریف‌پور اضافه نمایم. به عقیده من نثر دو فصل اول کتاب متفاوت با سایر فصول است. رسایی و روانی‌ای که در سایر فصول مشاهده می‌شود، در دو فصل اول وجود ندارد.

دکتر البرزی: فکر می‌کنم دلیل این مسئله این است که مسائل تعامل از سرل یا وینگشتان برای نخستین بار است که مطرح شده است؛ حال آنکه تاکنون درباره گفتمان چندین کتاب ترجمه شده است و مباحث آن برای خواننده تازگی ندارد و سنگین به نظر نمی‌رسد. البته بنده با این نظر که کتاب نیاز به ویرایش دارد، موافق هستم و این موضوع را در مقدمه مطرح کرده‌ام و امید دارم در چاپ‌های بعدی این مشکل برطرف شود.

باقری: آقای دکتر، در صفحه‌های کتاب به جمله‌ای برخوردیم که آن را عیناً برای شما نقل می‌کنم: «بنابراین متن‌شناسی به زبان‌شناسی، ادبیات، روان‌شناسی، حقوق، الهیات و تاریخ دسته‌بندی می‌شود». من به درستی متوجه نشدم که چرا چنین دسته‌بندی‌ای صورت گرفت است، و آیا متن‌شناسی سایر علوم را در بر نمی‌گیرد؟ و نیز آیا شما فقط به همین تقسیم‌بندی قائل هستید یا اینکه این مجموعه را باز می‌دانید؟

دکتر البرزی: سایر علوم را نیز می‌توان در این دسته‌بندی جای داد؛ ولی درگیری‌ای که ادبیات با زبان دارد، بیش از سایر علوم است. واقعیت این است که زبان‌شناسی بیش از سایر علوم با زبان درگیر است؛ چرا که موضوع آن زبان است؛ ولی موضوع فلسفه، الهیات و حقوق زبان نیست. زبان در این علوم فقط نقش ابزاری دارد؛ اما در زبان‌شناسی غیر از نقش ابزاری، موضوع این علم نیز هست. ادبیات نیز همین‌گونه است و به دلیل مسائل زیبایی‌شناسی بیش از سایر علوم با زبان درگیر است.

داوری: آقای دکتر در همین قسمت از کتاب نیز شما به درستی بیان کرده‌اید که زبان‌شناسی متن، زیرشاخه‌ای از متن‌شناسی است و دقیقاً به همین دلیل است که بنده معتقدم زبان‌شناسی متن زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است.

دکتر البرزی: این نکته را که زبان‌شناسی زیرشاخه‌ای از متن‌شناسی است، می‌پذیرم، اما تحلیل گفتمان را زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی متن می‌دانم؛ به این دلیل که مطالعات زبان‌شناسی متن در کشور ما رایج نبوده است؛ همه سراغ گفتمان رفته‌اند و دانشجویان ما پیش از آنکه زبان‌شناسی متن را بیاموزند، گفتمان و تحلیل گفتمان را شناخته‌اند.

دکتر داوری: من مجدداً از بعد صوری به کتاب نگاه می‌کنم. کتاب مبانی زبان‌شناسی متن، کتابی تخصصی است و به نظر می‌آید

به فهرستی کامل نیاز دارد؛ البته کتاب فهرست بسیار خوبی دارد و با شماره‌بندی دقیقی درج شده است؛ ولی بهتر است جزئیات دقیق هر سه فصل در فهرست ذکر شود.

دکتر البرزی: متأسفانه این مشکل نیز مربوط به انتشارات امیرکبیر است و تعدادی از صفحات فهرست را به هنگام چاپ کتاب حذف کرده‌اند.

دکتر داوری: به نظر من بهتر بود فصل‌های ۴، ۵ و ۷ مقدم بر فصل‌های ۲، ۳ و ۶ ذکر می‌گردید. همچنین به عقیده من نمایه برای چنین کتاب تخصصی‌ای کاملاً ضروری است؛ زیرا کتاب پر از اصطلاحات تخصصی است. نکته دیگر درباره اصطلاح‌شناسی کتاب است؛ البته فهرستی که در انتهای کتاب از انگلیسی به فارسی و از فارسی به انگلیسی آمده، بسیار سودمند است. منتها بنده این واژه‌ها را مرور کردم و به نظر رسید که برخی از اصطلاحات از لحاظ اصطلاح‌شناسی قابل تأمل است؛ برای نمونه، اصطلاح متن‌شناسی (Textology) در فهرست نیامده است. برخی از اصطلاحات نیز از نظر صرفی با مبدأ خود هماهنگ نیستند؛ مثلاً برای سیگنال (Signal) «علایم» آمده است؛ حال آنکه باید «علامت» می‌آمد؛ یا مثلاً برای «شناخت» Cognitive آمده است که باید Cognition می‌آمد. همچنین برای Textuality «متن‌بودگی» آمده است که به نظر من به دلیل اینکه متن‌بودگی در ذهن ما جا نیفتاده است، بهتر بود «متنیت» می‌آمد.

دکتر البرزی: اگر برای Textuality معادل متنیت را در نظر می‌گیرم، به Textness به معنی متن‌گونه‌گی چه باید می‌گفتم؟

دکتر داوری: بنده در کتاب‌های مختلف جست‌وجو کردم؛ اما Textness را به عنوان اصطلاح نیافتم؛ لذا به عقیده من، «متن‌گونه‌گی» ذهن را از مطلب دور می‌کند و فرد احساس می‌کند منظور، گونه‌ای از متن است؛ در حالی که Textness یعنی متن بودن و متنیت و ویژگی متنی.

شریف‌پور: بنده Textness و Textuality را در فرهنگ همادخت همایون جست‌وجو کردم. در این فرهنگ برای هر دو واژه «متنیت» آمده است.

دکتر داوری: اصطلاح دیگر، Conversational maxim است که معادل آن را «آموزه‌های ارتباط کلامی» آورده‌اید. به گمان من این معادل نیز ذهن را اندکی منحرف می‌کند؛ زیرا برای Conversation اصطلاح «مکالمه» جافتاده است. Maxim نیز معمولاً «چهارچوب» ترجمه می‌شود.

شریف‌پور: در فرهنگ‌ها برای Maxim معادل «اصل و



قاعده» آمده است و با توجه به اینکه تعابیر دکتر البرزی اندکی ناآشناست، مکتبی در خواندن این اصطلاحات به وجود می‌آید.

دکتر داوری: اصطلاح دیگر، Turn است که در تحلیل مکالمه، معادل «نوبت» برای آن ذکر می‌شود؛ حال آنکه شما معادل «چرخش» را برای آن آورده‌اید.

دکتر البرزی: اولاً منظور از اصطلاح Conversation مفهومی فراتر از مکالمه یا دیالوگ Dialogue است که در کتاب ذکر شده است؛ ثانیاً اگر واژه «مکالمه» را به جای آن می‌آوردم، به جای Dialogue باید چه معادلی را معرفی می‌کردم؟

دکتر داوری: از دیگر موارد عدم تطابق دستوری، Event است که معادل «رویدادی» را برای آن آورده‌اید؛ در حالی که باید «رویداد» می‌آوردید.

دکتر البرزی: من برای «رویداد» واژه Occurrence را داشتم و برای همین نمی‌توانستم برای Event «رویداد» بیاورم. واقعیت این است که در زبان دو دنیای متفاوت است و این‌گونه نیست که به هنگام معادل‌سازی، مثلاً برای صفت حتماً ترجمه‌توصیفی بیاوریم.

شریف‌پور: برای Performance معادل «کنش گشتاری» را آورده‌اید. در این مورد نیز توضیحات لازم را بیان نمایید.

دکتر البرزی: برای Performance در فارسی «کنش» جا افتاده و این همان چیزی است که چامسکی عرضه داشته است. در زبان این‌گونه است؛ حال آنکه در علوم دیگر، از قبیل علوم ارتباطات و تعامل، Action مطرح می‌شود. بنابراین برای عدم تداخل این دو کنش، برای یکی معادل «کنش گشتاری» و برای دیگری معادل «کنش» (Act) را آوردم؛ در واقع برای اینکه نشان دهم Performance در اینجا همان چیزی است که منظور نظر چامسکی است، اما کنش به مفهوم Act اصطلاحی در کاربردشناسی، به‌ویژه در بحث تعامل و ارتباط به شمار می‌رود.

دکتر داوری: در پایان عرایضم لازم می‌دانم جمع‌بندی مختصری درباره‌ی مباحث مطرح‌شده در کتاب داشته باشم. در کتاب مروری بر آرای افراد مختلف در تمامی حوزه‌ها صورت گرفته است؛ مثلاً در حوزه‌ی پیش‌انگاری درباره‌ی انواع پیش‌انگاری با دقت بحث شده و آرای بسیاری از متقدمان در این زمینه ذکر شده است؛ اما به عقیده‌ی من دست آخر لازم بود آقای دکتر البرزی خودشان طبقه‌بندی جامعی در این حوزه ارائه می‌دادند؛ برای نمونه، وقتی ما آثاری را که در حوزه‌ی تحلیل گفتمان تألیف شده است مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم بازاندیشی در آرای غربی‌ها امری لازم است؛ مثلاً دانشجویان ما ماکسیم (maxim)‌های گرایس را حجت آخر تلقی و گمان می‌کنند جز این چهار اصلی که گرایس گفته است، چیز دیگری وجود ندارد؛ حال آنکه این‌گونه نیست و ما وقتی راجع به این موضوع می‌اندیشیم،

متوجه می‌شویم که درباره‌ی همین چهار اصل طبقه‌بندی‌های ریزتری نیز می‌توان انجام داد و حتی پی‌می‌بریم که دو اصل از این چهار اصل هم‌پوشانی دارند؛ لذا بسیاری از طبقه‌بندی‌هایی که در حوزه‌ی گفتمان انجام شده، از این قسم است و خوب است که در این کتاب نشان داده شود که این طبقه‌بندی‌ها گاهی چقدر با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. مطالب خوبی در این کتاب جمع‌آوری شده است و دست‌مایه‌ی خوبی برای انجام طبقه‌بندی‌های بسیار دقیق است. همچنین در صفحه‌ی ۲۵۸ آقای دکتر البرزی درباره‌ی اقسام متون و انواع متون به‌طور جداگانه صحبت کرده‌اند و در ابتدا خواننده گمان می‌کند که اقسام متون با انواع متون یکی است؛ اما وقتی دقت بیشتری به کار می‌گیرد، متوجه می‌شود که منظور از این جداسازی، این است که طبقه‌بندی متن می‌تواند از دیدگاه‌های گوناگون انجام گیرد؛ به این معنی که عوامل مؤثر بر متن، عواملی چندگانه هستند و ما می‌توانیم از هفت منظر متن را طبقه‌بندی نماییم؛ لذا در این بخش طبقه‌بندی‌هایی وجود دارد که بنده در جاهای دیگر مشاهده نکرده بودم؛ منتها باز در این قسمت هم نتیجه‌گیری به دقت انجام نشده است و می‌توان از درون همین طبقه‌بندی، طبقه‌بندی دقیق‌تری ارائه داد و حرف تازه‌ای در این حوزه زد. بنابراین به عقیده‌ی من لازم است تئمه‌های منسجمی در آخر هر بخش اضافه شود و اگر این کار انجام شود، جایگاه کتاب از آنچه هم‌اکنون است، فراتر خواهد رفت. همچنین بنده توضیحی را که آقای دکتر در بخش آخر درباره‌ی تحلیل گفتمان مطرح نموده‌اند، نمی‌پذیرم و بر این گمانم که باید در این باره تجدید نظر نمایند؛ زیرا امروزه تحلیل گفتمان را اصطلاحی شاملی نسبت به زبان‌شناسی متن در نظر می‌گیریم و نمی‌توان گفتمان را معادل مکالمه در نظر گرفت. گفتمان اعم از گفتار و نوشتار در سبک‌های متفاوت مکالمه‌ای، روایتی و ... است.

سلیمی: در پایان از دوستان دانشجو تقاضا می‌کنم ارزیابی خود را از کتاب بیان نمایند.

باقری: کتاب مبانی زبان‌شناسی متن در مجموع کتاب بسیار مفید و خوبی است. خصوصاً تقسیم‌بندی‌های صورت‌گرفته در کتاب بسیار مهم و حائز اهمیت است.

شریف‌پور: واقعیت این است که تألیف این کتاب، فارغ از نقاط قوت و احیاناً کاستی‌های مختصر آن، به دلیل اینکه در این حوزه کتابی وجود نداشت و کتاب مذکور خلاً موجود در این زمینه را پر کرد، ستودنی و درخور تحسین است. من از مثال‌های فارسی کتاب بسیار استفاده کردم. ما در این زمینه معمولاً شواهدی را مطالعه می‌کردیم که شواهد فرهنگ و زبان ما نبودند. در این کتاب، مفاهیم این حوزه با مثال‌های فرهنگ و زبان خودمان مطرح شده و این مسئله سودمند و حائز اهمیت است.

سلیمی: آقای دکتر، آیا این کتاب فقط تألیف است یا اینکه از





ترجمه نیز استفاده کرده‌اید؟

دکتر البرزی: دربارهٔ تألیف یا ترجمه باید بگویم من سعی کرده‌ام ایده را بگیرم و سپس پرورش دهم. دربارهٔ نتیجه‌گیری هم نظر خانم دکتر داوری را می‌پذیرم؛ همان‌گونه که قبلاً نیز عرض کردم، بنده به دلیل کمبود وقت ناچار شدم مبحث گفتمان را در هشت صفحه مطرح نمایم؛ اما در همین قسمت نیز ایده را گرفته و پرورش داده‌ام و از ترجمه استفاده نکرده‌ام. البته در مواردی که به نقل قول مستقیم پرداخته‌ام، از ترجمه استفاده کرده‌ام؛ اما در سایر موارد خیر.

یکی از حاضران: آقای دکتر البرزی، با توجه به مسئله شتاب‌زدگی که مطرح نمودید، چه لزومی برای تألیف فصل ۸ کتاب وجود داشته است؟ و نیز در کتاب تعریفی از گفتمان آورده‌اید؛ حال آنکه در صحبت‌های شفاهی خود تعریف دیگری بیان نمودید. اگر ممکن است، توضیحات لازم را در این زمینه بیان نمایید.

دکتر البرزی: از کاربردشناسی، شش مفهوم گرفته می‌شود که یکی از این مفاهیم به زبان‌شناسی متن باز می‌گردد. در آنجا گفتمان جزء زبان‌شناسی متن است و در تعریفی که بنده از گفتمان داده‌ام، به دوسویه بودن رسیده‌ام.

یکی از حاضران: بنابراین در کتاب تأکید بر تقابل گفتاری بودن گفتمان و نوشتاری بودن متن است؛ اما در صحبت‌های شفاهی خود بر دوسویه بودن تأکید کردید. تعریف دیگری هم خانم دکتر بیان نمودند که باز متفاوت با این دو بود. یا جفت‌های همجوار که در فصل هشتم مطرح شده است چیست؟ زیرا هم به دوسویه بودن مربوط است و هم به گفتاری بودن.

دکتر البرزی: من اگر گفتهٔ شما را تکرار کنم، می‌شود همجواری؛ اما در دوسویه گفتن، گفتار، متفاوت می‌شود؛ مثلاً شما

سوآلی می‌پرسید و من پاسخ می‌گویم.

یکی از حاضران: بنده به علت حضور زیرفصلی با عنوان جفت‌های همجوار پی نبرده‌ام.

دکتر البرزی: همجواری هم زیرمجموعه‌ای از گفتمان است؛ یعنی اگر گفتمان دوسویه متفاوت نباشد، همجوار است.

مفهوم «متن» (text) تجلی زبانی (نوشتاری یا گفتاری) پاره‌گفتار در کنش ارتباطی است. از این جهت، عوامل نحوی، معناشناسی و کاربردشناسی کمابیش در پیدایش متن مؤثرند. متن از سوی یکی از طرفین تعامل پدید می‌آید (یک‌سویه)؛ برای مثال، مباحث نشریهٔ «کتاب ماه» هر ماه از سوی برخی از اهالی قلم به چند نوع متن دسته‌بندی می‌شود.

مفهوم «گفتمان» (discourse) ماحصل فعالیت زبان گفتاری است که کنش‌های ارتباطی رویارو را در بر می‌گیرد؛ یعنی در گفتمان، حضور حداقل دو طرف تعامل ضروری است (دوسویه)؛ مانند مناظرهٔ تلویزیونی. بدیهی است که متن و گفتمان در امر ارتباط به‌کار می‌روند و در نتیجه هر دو دارای مخاطبند.

مفهوم متن عام و گفتمان خاص است؛ زیرا از سویی گفتمان (در تمام تعبیر خود) بر پایهٔ متن شکل می‌گیرد، یعنی بنای گفتمان و تحلیل آن، متن است، و از سوی دیگر، متن بدون گفتمان نیز به‌کار می‌رود؛ در صورتی که تصور گفتمان بدون متن غیرممکن به نظر می‌رسد. در نتیجه، گفتمان یا تحلیل گفتمان همواره تابع متن است و نه بالعکس، و از این رو منطقی است عنوان فصلی از کتاب زبان‌شناسی متن را به خود اختصاص دهد.

